

کاسه سفالین لعابدار مربوط به اواخر
قرن ششم هجری (شکل ۱)



نقاشی روی ظروف سفالین لعابدار

دکتر عیسی بنام استاد دانشگاه

یکی از این ظروف کاسه‌ایست که امروز در اختیار مجموعه آقای « مرتب‌شیف » میباشد ، و شتر سواری را نشان میدهد که دختر زیبایی را در ترک خود سوار کرده . دختر با چنگی که در دست دارد ترانه‌ای مینوازد ، و مرد شترسوار مشغول شکار آهوایی است . تیری که از کمان شتر سوار رها شده بر گوش آهو اصابت کرده و حیوان گوش خود را با پا میخراشد . احتمالاً تیر دیگری از کمان شترسوار رها خواهد شد و پای عقب حیوان را بگوشش خواهد دوخت . (شکل ۱)

این همان نقش بهرام گور و آزاده است که نظامی آنرا بشعر آورده . شکارچی و نوازنده چنگ و آهو همه بهانه‌ای برای هنرمند بوده‌اند که رنگهای متناسبی را باهم مخلوط کرده در روی ظرف قرار دهد ، بطوریکه يك کاسه معمولی بشاهکاری هنری مبدل گردد .

این موضوع بارها در روی ظروف نقره ساسانی و روی

وقتی در ایران صحبت از نقاشی میشود توجه ما بسوی صفحات مصور زیبایی می‌رود که از پدرانمان بیادگار مانده ، و امروز در تمام شهرهای بزرگ دنیا ، مانند پاریس و لندن و لنینگراد و نیویورک ، معرف هنر و ذوق سرشار هنرمندان ایرانی است . در این صفحات بخوانندگان نوعی دیگر از نقاشی را معرفی مینمائیم که از جهاتی ارزش آنها از صفحات مصور نامبرده کمتر نیست .

در اواخر قرن ششم هجری و اوایل قرن هفتم ، یعنی کمی پیش از اینکه چنگیز با لشکر بی‌شمارش کشور ما را مورد هجوم قرار دهد ، در کارگاههای کوزه‌گری کاشان و ری و ساوه و گرگان ، تحول فوق‌العاده بوجود آمد ، و هنرمندان سفال‌ساز با همکاری نقاشان هم‌عصر خود ظروف بسیار زیبایی ساختند ، که هر يك بمنزله شاهکاری از هنر نقاشی آن دوران میباشد .



کاسه سفالین لعابدان مربوط به اواخر قرن هفتم هجری که در کاشان ساخته شده و امروز در موزه « ویکتوریا و آلبرت » نگهداری میشود (شکل ۳)

ایران کار میکنند نظایر این تصاویر را در روی شمایلها و در بالای حمامها و سردرها و روی کاشیهای دروازه‌های شهرها قرار میدهند. عبارت دیگر میتوانیم بگوئیم که این نقاشی صد درصد اصیل ایرانیست، که از زمان هخامنشی تا امروز تحت تأثیر هیچ سبک خارجی قرار نگرفته، و مخصوص عامه مردم ایران است. هاله‌ای بدور سر اسب‌سوار کشیده شده، و فرشته بالدار در بالای سر او پرواز میکند. حالت اسب‌سوار و فرشته بالدار که در بالای سر اوست نقش این کاسه را بنقش برجسته خسرو پرویز در طاق بستان نزدیک مینماید، و اصلیت ایرانی بودن آنرا بیشتر آشکار میسازد.

از تمام ظرفهایی که در اواخر قرن ششم هجری در ایران ساخته شده و بدست ما رسیده زیباتر کاسه لعابداری است که در کارگاههای ساوه بکوره رفته، و امروز جزو مجموعه « پاریس و استون » میباشد. (شکل ۳)

یکی از محسنات این ظرف این است که هنرمند در ضمن کتیبه‌ای که دور ظرف نقش شده تاریخ ساخت ظرف (اول محرم ۵۸۳) را قید کرده. مانند اینکه میدانسته است که کاسه او دارای ارزش هنری است و روزی بدست آیندگان خواهد رسید، و با قید تاریخ در روی ظرف خود بسیاری از مطالب مربوط بتاریخ هنر را برای ما آشکار ساخته است. این کاسه مرد یا زنی را نشان میدهد که بر خری سوار است. رنگ خاکستری حیوان با رنگ قرمز پالانی که بر رویش قرار داده شده تناسب فوق العاده

گچ بریها و نقاشیهای دیواری کاخهایشان نقش گردیده. نکته‌ای که میتواند آموزنده باشد این است که هنوز شش قرن بعد از انقراض سلسله ساسانی هنرمندان ایرانی ظروف لعابدان خود را بسبک پدرانشان تزیین میکردند.

قیافه شترسوار و چنگ‌زن بقدری بهم شبیه است که نمیتوان زن و مرد را از هم تشخیص داد.

صورت‌ها گرد، شبیه بقرص ماه، ابروها مانند کمان، چشمها بادامی و دماغ‌ها قلمی است. لبها مانند غنچه گل کوچک‌اند. این همان صفاتی است که شعرای هم‌زمان سازندگان این کاسه، در اشعارشان بعنوان بهترین نمونه یک زن زیبا آورده‌اند.

همین خصوصیات در کاسه دیگری که در کاشان ساخته شده و امروز در موزه ویکتوریا و آلبرت است دیده میشود. این ظرف در اواخر قرن هفتم هجری ساخته شده و اسب‌سواری را نشان میدهد که در میان مرغزاری پر از گل و بلبل خرامان میگردد. (شکل ۲) خرگوشها در گوشه و کنار مرغزار میدوند، مرغهایی مشغول برچیدن دانه میباشند.

قیافه اسب‌سوار کاملاً مطابق سلیقه شعرا و نویسندگان ایرانی نقش شده، صورتی گرد مانند قرص ماه شب چهارده، دو بادام بجای دو چشم، دو کمان بجای ابرو، غنچه‌ای بجای دهان، و دماغی شبیه بقلم. تمام این خصوصیات بقدری ایرانی است که حتی در عصر حاضر نقاشان ایرانی که هنوز بسبک قدیم

کاسه سفالین لعابدار مربوط به اواخر
قرن ششم هجری که درساوه ساخته شده
جزو مجموعه «پاریش و استون» میباشد
(شکل ۳)



کاسه سفالین لعابدار از کار «محمدبن
ابوالحسن» که در کارگاه کاشان ساخته
شده و امروز در مجموعه «گوئتر» دیده
میشود (شکل ۴)



دارد. روی سر سوار هاله‌ای نظیر کاسه موزه و بکتوریا
و آلبرت کشیده شده، و این هاله در اطراف سروصورت چهار نفر
از همراهان او نیز دیده میشود. فرشته‌ای بصورت يك زن بالدار
در بالای سر سوار در پرواز است. اینطور بنظر میرسد که
تمام این اشخاص زن باشند. سبک نقش صورت‌ها و دهان و دماغ
و ابرو و غیره همان سبکی است که در دوسه کاسه مذکور بالا
دیده شد و بنقاشیهای کتب مصوریکه از پیروان مانی در ناحیه
تورقان (ترکستان) پیدا شده فوق العاده شبیه میباشد، و این
مطالب میرساند که این سبک در حقیقت سبک واقعی ایرانیست
که تا عصر حاضر نیز در میان «عام مردم» یا «مردم عامه»
وجود دارد. این اشتباهی است که بعضی از نویسندگان تصور
کرده‌اند که این قیافه‌های گیرد تقلید از چین است.
همین خصوصیات نیز در کاسه دیگری که در مجموعه
«گوئتر» است و اسب سواری را در حال حرکت نشان میدهد
موجود است. (شکل ۴)

این کاسه نیز امضاء دارد و سازنده آن محمدبن ابوالحسن
میباشد که در کارگاههای کاشان کار میکرده. اسب سوار در میان
مرغزاری می‌تازد و تازیانه‌ای را که در دست دارد بر پشت اسب
میزند. مهارت استاد در این بوده است که نقش خود را طوری
در دایره کاسه قرار داده که کاملاً با آن تطبیق پیدا کرده است.
از آنچه گفته شد برمیآید که نقاشی اصیل ایران را فقط
در روی صفحات مصور نباید جستجو کرد و ظروف سفالین
لعابدار ایران هر کدام شاهکارهایی از هنر نقاشی ما میباشدند.